

بررسی نقش فرهنگ دینی در مدیریت بحرانهای سیاسی

(مطالعه موردی فتنه ۸۸)

ابوالفضل امیری *

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۱۵

حمید علوی وفا **

تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۰۲

محسن صادقی ***

چکیده

این مقاله با روش توصیفی، پیمایشی با رویکرد کاربردی و هدف بررسی نقش فرهنگ دینی در مدیریت بحرانهای سیاسی با تأکید بر فتنه سال ۱۳۸۸ انجام شده است. جامعه آماری آن ۲۰۰ نفر از خبرگان و کارشناسان مرتبط با موضوع هستند که با استفاده از فرمول کوکران نمونه آماری این مقاله ۱۳۲ نفر از ائمه جمعه، فرماندهان و مدیران سپاه حضرت روح‌الله(ره)، استادان و کارشناسان ارشد علوم سیاسی و مدیریت دفاعی هستند که با استفاده از نرم‌افزار spss داده‌های پرسشنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق مشخص کرد میزان شاخص ایجاد بحرانهای سیاسی و شاخص فرهنگ اسلامی، انقلابی در ایجاد قدرت نرم از نظر پاسخگویان بسیار مؤثر است و در تحلیل کلی از مؤلفه‌ها و شاخصهای فرهنگ و آموزه‌های دینی می‌توان نتیجه گرفت که توجه به این عناصر می‌تواند تأثیر زیادی در مدیریت بحرانهای سیاسی داشته باشد. بررسی مؤلفه‌ها و شاخصهای فرهنگ و آموزه‌های دینی گویای این است که استفاده بهینه از قدرت نرم و مؤلفه و شاخصهای دینی می‌تواند در مقاطع مختلف، کشور اسلامی را از پرتگاه‌ها حفظ کند و ارتباط بین مؤلفه‌های هویت اسلامی انقلابی، ولایتمداری، وحدت و انسجام، عدالت و بصیرت ناشی از اعتقادات، باورها و ارزشهای اسلامی است و در مدیریت بحرانهای سیاسی بویژه مدیریت فتنه ۸۸ نقش مؤثری داشته است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ دینی، مدیریت بحران و فتنه ۸۸

مقدمه

آنچه در نگاهی گذرا به عرصه فرهنگ در سطوح مختلف و حوزه‌های گوناگون وجود دارد، نشان‌دهنده این است که فرهنگ به‌عنوان زیربنای جامعه انسانی بر پایه مفروضات و اصول اساسی شکل گرفته است و بر روی آن ارزشهای فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد که در نهایت این ارزشها به هنجار اجتماعی تبدیل می‌شود و در قالب رفتار فردی و جمعی تبلور عینی می‌یابد. در این مقاله علاوه بر تشریح مؤلفه‌های فرهنگ دینی از قبیل باورهای دینی، روحیه انقلابی و شهادت‌طلبی، عشق و معرفت به اهل بیت و ائمه اطهار(ع)، فرهنگ و تفکر بسیجی، فرهنگ مهدویت و امید به آینده و هویت به بررسی مهمترین مؤلفه‌ها و شاخصهای مؤثر در مدیریت بحرانهای سیاسی پرداخته شده است. با توجه به تجربیات تاریخی و مطالعات، "بحران‌ها" از جمله موضوعات حساس و مهمی است که در فرایند تحول نظامهای سیاسی و اجتماعی پیوسته نقش مؤثری داشته است. بر این اساس چگونگی رویارویی با بحرانها موضوع مهمی به‌شمار می‌آید که از حساسیت بحرانها و چگونگی مدیریت آنها حکایت دارد. جمهوری اسلامی ایران مانند بسیاری از کشورهای قدرتمند جهان از قدرت فرهنگ دینی و ملی خوبی برخوردار است و تاکنون توانسته با بهره‌گیری از منابع عظیم اسلامی و آموزه‌های دینی، ایام‌الله دینی و اسلامی به‌عنوان مهمترین عناصر فرهنگ ملی و دینی در راستای تقویت روحیه معنوی، ایثارگری و انسجام اجتماعی و ملی مردم در برابر توطئه مستکبران جهانی بویژه امریکا نقش کم‌نظیری را ایفا کند. اساسیترین رویکرد دشمن در جنگ نرم، ایجاد بحران و تضعیف نظام است و هدف نهایی آن، براندازی یا تغییر ساختارهای نظام سیاسی حاکم است. امام خامنه‌ای در این ارتباط فرمودند: وقتی انسان، تجهیز، صف‌آرایی، دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ فشرده شده علیه انقلاب، امام خمینی و آرمانهای نظام اسلامی را می‌بیند، وجود این جنگ نرم

را باور می‌کند (دیدار با جمعی از شعرا، ۱۳۸۸). در این جنگ، دشمن به سراغ ارزشها، باورها و اعتقادات معنوی، ایمانها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی نظام و کشور می‌رود تا آنها را منهدم کند؛ بنابراین با توجه به اینکه ایجاد بحرانهای سیاسی یکی از رویکردهای تهاجمی دشمن علیه نظام اسلامی در سال ۱۳۸۸ بود و این تهدیدات در دو دهه اخیر، کشور را با چالشهایی روبه‌رو ساخته، و هم‌چنان جزء تهدیدهای آینده است به نظر می‌رسد پیشگیری و مدیریت این بحرانها یکی از وظایف اصلی مسئولان دلسوز و بررسی مهمترین مؤلفه‌های مؤثر در فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع چنین بحرانهایی و مدیریت بحرانهای سیاسی مشابه یکی از دغدغه‌های این مقاله است. بنابراین سؤال اصلی تحقیق، بررسی نقش مؤلفه‌ها و شاخصهای فرهنگ و آموزه‌های دینی در مدیریت بحرانهای سیاسی است که با بهره‌گیری صحیح و کارآمد از این مؤلفه‌ها می‌توان کشور را نسبت به چالشهای ناشی از بحران سیاسی در فضای اجتماعی و ساختاری نظام حکومتی تا حدی محافظت کرد.

تعاریف و ادبیات نظری

فرهنگ

فرهنگ مجموعه دستاوردهای مادی و غیر مادی بشر در طول حیات اجتماعی خویش است (گولدو کولب، ۱۳۸۴: ۶۳۰ و ۶۲۹). فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است متضمن معلومات، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمایلات، توان و عادات مکتسبه که آدمی در حالت عضویت در اجتماع به دست می‌آورد (منصوری، ۱۳۷۰: ۹). تعاریف متعدد و گوناگون فرهنگ نشان می‌دهد که ارائه تعریفی واحد از فرهنگ امکانپذیر نیست و این به دلیل پیچیدگی مفهوم فرهنگ است. به تعبیر امام خامنه‌ای: فرهنگ اساس همه چیز است. فرهنگ به‌عنوان شکل‌دهنده ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه بر اساس فرهنگ آن

جامعه است (امیری، تهدید نرم: ۱۶).

بحران^۱

بحران به معنی فشار، اضطراب، بلا و خشونت نیز به کار می‌رود. در تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری، بحران نوعی وضعیت و گونه‌ای رخداد است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۱). بحران در اصطلاح، ترکیبی از فرصت و تهدید است. بحران یعنی تهدیدی جدی نسبت به ساختهای زیربنایی و یا ارزشها و هنجارهای اساسی هر سامانه که مورد ادراک ذی‌نفعان است و تحت فشار زمانی و محدودیت گزینه‌ها در موقعیت عدم قطعیت شدید و احساس کنترل شدید و احساس کاهش کنترل، تصمیم‌گیریهای حیاتی، دقیق و پرهزینه‌ای را الزامی می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۵).

بحران سیاسی

بحران سیاسی، بحران مشروعیت نظام حاکم است. آن‌گاه که نخبگان سیاسی جامعه استعداد و توان تولید و بازتولید ارتباطات و مناسبات مبتنی بر اعتماد و مقبولیت خود را از دست می‌دهند و سامانه دچار ناکارآمدی می‌شود، بحران حادث می‌شود (تاجیک ۱۳۷۹: ۲۸).

فرهنگ دینی

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای می‌فرمایند: من فرهنگ کشور را در سه عرصه مهم و عام مشاهده می‌کنم: عرصه اول: در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است؛ یعنی فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور؛ حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا در تولید، نقش دارد. فرهنگ، جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور است (۱۳۸۱/۹/۲۹). عرصه دوم به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه بر اساس فرهنگ آن جامعه است. عرصه سوم، سیاستهای کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است؛ یعنی آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت و درمان.

دستگاه‌های موظف دولت، بالاخره باید سیاستهای کلان آموزشی و علمی‌شان را از مرکزی بگیرند که نگاه کلاستر و وسیعتر باشد (در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶).

چارچوب مفهومی در باب فرهنگ

با توجه به تعاریف، فرهنگ دو عنصر مادی و معنوی دارد.

جدول ۱: عناصر مادی و معنوی فرهنگ

عناصر مادی و معنوی فرهنگ	
فرهنگ	دسته‌بندی
۱ - اندیشه‌ها	بعد معنوی
۲ - بینش‌ها، عقاید و گرایشها	
۳ - هنر، ادبیات و غیره	
۴ - ارزشها، اخلاقیات و مکارم	
۵ - نمادها	
۱ - نیازهای جسمانی و مادی	بعد مادی
۲ - روشهای تأمین نیازهای جسمانی	

مهمترین تعریفی که از فرهنگ انجام شده تعریف تکوینی است که فرهنگ را راهنمای همه فعالیت‌های انسانی می‌داند. فرهنگ عامل مبین رفتار انسان و در عین حال، توانایی خاص بشر است (توکل فر، ۱۳۷۹: ۳۸ تا ۴۰).

مفهوم فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره)

فرهنگ از نظر امام خمینی (ره) آن چیزی است که فرد یا جامعه‌ای بر آن اساس تربیت شده است؛ فکر، و رفتار می‌کند. حضرت امام (ره) فرهنگ را هویت‌ساز، مولد تربیت، اخلاق‌محور و تفکرپرور می‌داند؛ به‌عنوان مثال، ایشان می‌فرمایند: آنها می‌خواهند ما وابسته باشیم و چیزهایی که به ما می‌دهند، چیزهایی است که وابستگی می‌آورد. استقلال نمی‌خواهند داشته باشیم. استقلال فرهنگی نمی‌خواهند داشته باشیم. استقلال فکری نمی‌خواهند داشته باشیم. عملی که آنها تربیت کرده‌اند

در بین خودشان و صادر کردند برای ما، آنها هم کمک کرده‌اند به آنها. طرز فکر جامعه ما را به نحوی عوض کردند که اگر یک مطلبی غربی نباشد، جامعه ما نمی‌پذیرد این را" (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۱۲). هم‌چنین ایشان می‌فرمایند: "برای ساختن یک مملکتی که در طول ۲۵۰۰ سال تا حالا، بخواهیم کاری نداشته باشیم. در طول چند سالی که خود من شاهد بودم آنها با تمام قوا در خراب کردن این مملکت کوشش کردند. در خراب کردن فرهنگ، خراب کردن تبلیغات و وسایل تبلیغی از قبیل روزنامه‌ها، مجلات، رادیو تلویزیون و هر چیزی را که شما خیال کنید، چیزهایی را که باید برای این مملکت خدمت بکند، آموزنده باشد، تربیت بکند مملکت را" (امام خمین، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۲۱).

فرهنگ در نگاه امام خامنه‌ای

اساس و ریشه فرهنگ، عبارت است از عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی و ملی. بنده چند نمونه از خلیات اجتماعی و ملی را که برای یک ملت تعیین‌کننده است در اینجا عرض می‌کنم؛ مثلاً عزم و اراده، غرور ملی، احساس توانایی، احساس قدرت بر اقدام و عمل و سازندگی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت. اگر فرض کنیم ملتی همراه با ایمان و عقیده‌ای که دارد، این اخلیات را هم دارا باشد، خواهیم دید که چقدر در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش به او کمک خواهد کرد؛ بنابراین به نظر ما، مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست؛ اهمیت مقوله فرهنگ از اینجاست (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹).

فرهنگ

عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی یا صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی یا اظهار ذلت در مقابل دیگران یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران یا به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیگاری و

خمودی تحریک می‌کند، فرهنگ ملی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۰۸).
 فرهنگ به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه بر اساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن حاکم است (امیری، ۱۳۸۹: ۱۶).

رابطه فرهنگ دینی و سیاست

داشتن نظامی سیاسی که عهده‌دار تدبیر کار جامعه در زمینه روابط داخلی و خارجی آن باشد، یکی از ضرورت‌های صحیح و گزیرناپذیر زندگی اجتماعی بشر است. از این‌رو آنارشسیسم - نفی حکومت - اندیشه‌ای مردود است؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام در ردّ نظریه خوارج در ماجرای حکمیت فرموده است:
 «لابد للناس من امیر برأ و فاجر»: مردم را از داشتن زمامداری نیکوکار یا تبه‌کار گریزی نیست (نهج‌البلاغه، ترجمه صبحی صالح: ۸۳).

قرآن کریم حکومت و داوری در اختلافات مردم را یکی از رسالت‌های پیامبران الهی و کتابها و ادیان آسمانی می‌داند و می‌فرماید: خداوند پیامبران بشارت‌دهنده و اندازکننده را برانگیخت و با آنان کتاب - قانون آسمانی - را به حق فرو فرستاد تا در میان مردم داوری کند (بقره/۲۱۳). خداوند در جای دیگری می‌فرماید: رسولان خود را با معجزات فرستادیم و کتاب و میزان را با آنان نازل کردیم تا مردم به قسط قیام نمایند و آهن را آفریدیم که هم وسیله قدرت است و هم به مردم سود می‌رساند (حدید/۵۷). تقوای دینی یک سلسله ارزشها، معانی، انتظارات، اهداف و الزامات ظریف و باریک‌بینانه را شکل می‌دهد که هنجارهای عمل‌کننده در فرهنگ را پدید می‌آورند و رهبری سیاسی ناگزیر است در چارچوب همین هنجارها عمل کند. این ویژگیها و روحیات تحت تأثیر دین، کلی‌ترین شکل اخلاق دینی است که جامعه و از رهگذر آن سیاست را شکل می‌دهد.

بحران سیاسی

هر نظام سیاسی دارای چند رکن اساسی همچون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی،

نظامی و امنیتی است. تهدید هرکدام از بخشهای این ارکان، می‌تواند نظام سیاسی را دچار اختلال کارکردی کند و به فروپاشی آن منجر شود. بر این اساس تهدید ابعادی خواهد داشت که این ارکان را در بر می‌گیرد (باقری و یوسفی، ۱۳۸۸). این مقاله بر جنبه‌های سیاسی تهدید از منشأ فرهنگی و نرم تأکید دارد. بحران سیاسی حالتی است که موجب به هم خوردن توازن نظام سیاسی و اجتماعی می‌شود. بحرانهای سیاسی را برحسب وسعت مکان، عوامل درگیر و گستره جغرافیایی تعارضات به دو دسته داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌کنند: بحرانهای سیاسی داخلی مثل مبارزه سیاسی گسترده و شدید بین احزاب و سازمانهای سیاسی رقیب برای کسب قدرت، ایجاد اختلافات شدید بین جناحهای مختلف حکومت، کودتای نظامی، اعتصابات دامنه‌دار، شورشهای خیابانی، درگیریهای قومی و جنگهای چریکی. بحرانهای سیاسی بین‌المللی نیز عبارت است از موقعیت غیر متعارفی که در چارچوب روابط بین دو یا چند کشور بروز می‌کند و برحسب گستره جغرافیایی شکلهای گوناگونی دارد؛ مثل بحران اختلاف یا تیرگی روابط تا سر حد جنگ بین دو یا چند کشور یا بحران منطقه‌ای یا بحران جهانی (آقا بخشی، ۳۲۵). بحران سیاسی، بحران مشروعیت نظام حاکم است. آن‌گاه که نخبگان سیاسی جامعه استعداد و توان تولید و بازتولید ارتباطات و مناسبات مبتنی بر اعتماد و مقبولیت خود را از دست می‌دهند و سامانه دچار ناکارآمدی می‌شود، بحران حادث می‌شود (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۸).

انواع بحران سیاسی

لوسین دلبیو پای بحرانهای سیاسی را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

- ۱ - بحران هویت^۱
- ۲ - بحران مشروعیت^۲
- ۳ - بحران مشارکت^۳

1 - Identity
2 - Legitimacy
3 - Participation

۴ - بحران نفوذ^۱

۵ - بحران توزیع^۲ (سیف زاده، ۱۳۶۸: ۱۷۳)

بحران هویت وقتی رخ می‌دهد که جامعه دریابد که آنچه را تاکنون به‌طور دربست و بی‌چون‌وچرا به‌عنوان تعاریف فیزیکی و روانشناسانه «خود جمعی» اش پذیرفته است در موقعیت تاریخی جدید، قابل پذیرش نیست. برای اینکه نظام سیاسی بر اساس تغییر در قلمرو، شدت، اشکال ساختاری یا رویدادی، خود به سطحی جدید از عملکرد دست یابد، ضروری است که مشارکت‌کنندگان در نظام را از نو تعریف کنند؛ کی هستند و چگونه با تمام دیگر نظام‌های سیاسی یا اجتماعی تفاوت دارند.

چهار شکل اصلی از بحران هویت وجود دارد: اولین نوع بحران به احساسات مربوط به سرزمین و رابطه فضای جغرافیایی با احساسات ناسیونالیستی ارتباط می‌یابد. دومین شکل آن وقتی رخ می‌دهد که ساختار اجتماعی و بویژه تقسیمات طبقاتی چنان گسترش یابد که مانع وحدت ملی شود. سومین صورت آن با تعارض بین هویت‌های فراملی و تعهد به هویت ملی مشترک سروکار دارد. چهارمین شکل بحران هویت در اثر پیامدهای روانشناسانه تغییر اجتماعی سریع و احساسات دوگانه نسبت به بیگانگان ایجاد می‌شود (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۰ و ۱۷۱).

دومین شاخص بحرانهای سیاسی، بحران مشروعیت است. از آنجا که مشروعیت ویژگی‌ای از نظام سیاسی است به شکل خاصی با عملکرد ساختار حکومتی در ارتباط نزدیک است و بنابراین در تعیین ظرفیت نظام نقش اساسی دارد؛ به عبارت دیگر، پذیرش و تأیید مشروعیت با مردم است و این امر زمانی تحقق می‌یابد که به نظر رسد زمامداران به اصول برابری احترام می‌گذارند و تمایزات را تنها به‌عنوان واقعیت گونه مناسب انفکاک تلقی می‌کنند. بنابراین تمامی

1 - Penetration
2 - Distribution

پیشرفتهای حاصل در نشانگان توسعه، همراه با تغییرات پیوسته در روابط بین برابری، ظرفیت و انفکاک ساختاری احتمالاً واکنشی را ایجاد خواهد کرد که بر مشروعیت تأثیر می‌گذارد و می‌تواند بحران بزرگی را موجب شود. نفس ارتباط مشروعیت با ظرفیت اجرایی نظام و احساس مردم نسبت به اقتدار، بیانگر این است که هر یک از چهار بحران دیگر اعم از هویت، مشارکت، نفوذ و یا توزیع در نهایت می‌تواند به بحران مشروعیت منجر شود؛ چرا که تمامی بحرانها به‌گونه‌ای مشروعیت نظام را زیر سؤال می‌برد. (پای، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

سومین شاخص بحران سیاسی، بحران مشارکت سیاسی است. مایرون وینر می‌گوید: گذار از پادشاهی به جمهوری، از حکومت استعماری به حکومت مستقل، از حکومت استبدادی به مردم‌سالاری همگی بیانگر مناسبات جدیدی بین ملت و دولت و گونه‌ جدیدی از مشارکت سیاسی است (پای، ۱۳۸۰: ۲۳۹). بحران مشارکت به وضعیتی گفته می‌شود که ضمن آن خواسته‌های برابری‌طلبانه و تساوی‌خواهانه اقبال تازه تحرک‌یافته اجتماعی از ناحیه دولت‌سالاران و نخبگان حاکم مورد پذیرش واقع نمی‌شود و نیز کشمکشی است به هنگامی که نخبگان فرمانروا درخواست یا رفتار افراد و گروه‌ها را در زمینه مشارکت سیاسی نامشروع قلمداد کنند و هم‌چنین به وضعیت و حالتی تعبیر می‌شود که اداره‌های مشارکت طلبانه و تقاضاهای مداخله‌جویانه عمومی با ساختارهای سیاسی، اداری، حقوقی، عرفی و سنتی حاکم بر جامعه، که ویژگی تمرکز و استبدادی دارد در تضاد ناهمگونی قرار گیرد (یحیایی، بی‌تا). از بحرانهایی که نظام جمهوری اسلامی را با مشکلات زیادی روبه‌رو ساخت، حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ بود. آنچه پس از انتخابات رخ داد در لایه ظاهری اعتراض به نتیجه انتخابات با ادعای واهی تقلب بدون هیچ‌گونه دلیل و مدرکی ضمن بهره‌گیری از روشهای غیر قانونی و کشاندن اعتراضات به سطح خیابان بود درحالی‌که راه حل قانونی

برای این مسئله وجود داشت ولی اصرار بر پیمودن مسیرهای غیر قانونی برای پیگیری مطالبات به بروز تشنجات و برهم خوردن نظم و امنیت و آرامش مردم منجر شد.

چهارمین شاخص، بحران نفوذ است. جوزف لاپالومبارا در این زمینه می‌گوید: به‌طور مشابه، وقتی آن قسمت از منابعی که هر ملت به‌طور گسترده به نفوذ خود اختصاص می‌دهد، محدود شود و دیگر فعالیتهای آن، ملت را به خطر اندازد، نوعی بحران نفوذ وجود خواهد داشت. در جایی که مشروعیت [آسیب‌پذیر یا مستحکم] حکومت ملی تهدید شود، مسئله این منابع واکنشی زنجیره‌ای را موجب خواهد شد. از لحاظ تحلیلی آنچه بحران نفوذ را از دیگر بحرانها متمایز می‌سازد، این است که این بحران می‌تواند با فشارهای وارد شده بر نخبگان برای ایجاد تعدیلهای نهادی یا نوآوری‌هایی در طیف همراه باشد (لاپالومبارا، ۱۳۸۰: ۳۱۴).

پنجمین شاخص بحران سیاسی، بحران توزیع است. مرتضی نعمتی در این زمینه می‌گوید: یکی از کارکردهای حکومت چهره عمومی آن است. چهره عمومی به این معنا است که قدرت سیاسی، توانایی توزیع مناسب امکانات بین گروه‌های مختلف جامعه را داشته باشد و تمامی گروه‌ها از دسترسی به امکانات ابراز رضایت کنند. امکانات و منابع در، جامعه تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزشی را در بر می‌گیرد و تنها به منابع مادی محدود نمی‌شود. بحران توزیع زمانی بروز پیدا می‌کند که دولت منابع را به نحو صحیح و عادلانه توزیع نکند و اختلاف بین گروه‌ها، طبقات یا دستجات در دریافت منابع و امکانات وجود داشته باشد؛ به‌طور مثال توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی باعث ایجاد فاصله طبقاتی، و یا توزیع نابرابر امکانات سیاسی باعث نارضایتی سیاسی در بین احزاب و جناحهای سیاسی می‌شود (سیلان، ۱۳۸۶: ۱۸).

رابطه فرهنگ با بحرانهای سیاسی

رابطه فرهنگ با سیاست مدتها مورد غفلت واقع شده بود تا اینکه نخستین بار

"ایوشومی" اعلام کرد که فرهنگ یک بعد سیاسی دارد؛ زیرا فرهنگ خود را در پشت تمام کنشهای فردی و اجتماعی پنهان می‌کند و همان‌گونه که بر رفتار اجتماعی اثر می‌گذارد بر رفتار سیاسی هم تأثیراتی مهم دارد. با این حال سالها طول کشید تا چگونگی رابطه سیاست و فرهنگ و تأثیر فرهنگ بر کنشهای سیاسی و رفتارهای بین‌المللی کشورها در عرصه سیاست جهانی طرح شود. برخی از پژوهشگران حوزه فرهنگ بر این باور هستند که تأثیر فرهنگ و خلق و خوی اقوام و ملتها و هم‌چنین چگونگی اثرگذاری بر فرهنگ ملی نه تنها بر سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بلکه بر چگونگی جنگ و دفاع هم تأثیرگذار است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۸ - ۲۹۵). این امر سبب شده است در نگاه ایجابی به امنیت ملی، فرهنگ بنیاد امنیت را تشکیل دهد. رویکرد امثال هانتینگتون، فوکویاما و آلو وین تافلر روی فرهنگ و تمدن و روابط بین‌الملل متمرکز است. این نگاه، تهدید عینی و بیرونی را نتیجه تحولات درونی و داخلی، و راه دستیابی به امنیت را از طریق فرهنگ می‌داند. بسیاری معتقدند که محیط واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل فرهنگی است و نظامهای اقتصادی، سیاسی و مسائل نظامی بر بنیادهای فرهنگی استوار است و به همین دلیل در حال حاضر غرب با گفتمان فرهنگی به رویارویی با انقلاب اسلامی و جهان اسلام می‌پردازد (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگ دینی

انقلاب اسلامی به‌عنوان انقلاب نرم، خود الگویی است که در مقابله با الگوهای مادیگرایانه غربی ابراز وجود کرد. با وجود جنگ نرم در حال حاضر نیز به تبیین و ارائه نظریه‌های مناسب و شایسته انقلاب اسلامی در امور فرهنگی نیاز است. انقلاب اسلامی برای دستیابی به اهداف خود سعی کرده است در برخی موارد از راهبردهای متناسب با ارزشها و فرهنگ‌های دینی خود بهره ببرد. توجه به این موضوع، انقلاب را در راه چندساله خود تثبیت کرده است؛ برای نمونه می‌توان به الگوی مقابله با انبوه گروه‌های ضد انقلاب ساخته و پرداخته بیگانگان، دفاع مقدس

هشت‌ساله ملت ایران و عبور از فتنه‌های چندگانه و چندباره در چهار دهه گذشته اشاره کرد که تماماً بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های دینی مدیریت شده است؛ لذا با شناخت، حفظ و تقویت این مؤلفه‌ها و شاخصها می‌توان بحرانها را مدیریت کرد.

هویت اسلامی انقلابی

از مهمترین نقشه‌های دشمنان اسلام و انقلاب از خودبیگانگی و به‌عبارتی دیگر هویت‌زدایی ملت‌های مسلمان است. آنان بخوبی دریافته‌اند که ما تنها بر اثر وابستگی فرهنگی و نداشتن استقلال فکری، پذیرای هرگونه زمینه‌های استعماری خواهیم شد؛ بنابراین راه رویارویی با نفوذ بیگانگان و هم‌چنین گسترش قدرت نرم انقلاب اسلامی نیز شناخت دقیق و صحیح فرهنگ خودی است. باید با بنا ساختن سد فرهنگ اسلامی از تهاجم و نفوذ فرهنگ غربی و هر تفکر بیگانه و غیر اسلامی جلوگیری شود. تقویت هویت اسلامی و انقلابی یکی از مهمترین مؤلفه‌ها برای تأثیرگذاری بر مخاطبان و بهترین راه در امان ماندن از تأثیرگذاری جنگ نرم دشمن است. اعتقادات دینی اسلامی به بازدارندگی در مقابل خوی تجاوزطلبی سلطه‌گران منجر می‌شود. اسلام ناب، دین جهانشمول است؛ اگر بدرستی تبلیغ و اجرایی شود و شهد شیرین آن به کام انسانهای تشنه برسد، قلبها و دلها را به خود جذب می‌کند و فطرت‌های الهی را شیفته خود می‌سازد. رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: دشمن از خوبیها، ارزشها و اخلاق پیامبران می‌ترسد؛ چرا که حیات و زندگی خود را تنها در جامعه لائیک و ضد خدایی جست‌وجو می‌کند؛ پس چرا از همین نقطه ضعف دشمن وارد نشویم و فرهنگ اسلام ناب را تبلیغ نکنیم (آخوندی، ۱۳۸۹: ۱۳۰ - ۱۲۵).

عمل به دستورهای قرآن

شاید مهمترین ضرورت جامعه و کشور، مسئولان و مردم ما در وضعیت فعلی التزام عملی به احکام اسلام است. در عصر حاضر تکیه اصلی حرکت امام خمینی(ره) در مبارزه با رژیم شاهنشاهی و بعد از آن مقابله با استکبار جهانی و

مسیری که مقام معظم رهبری پیموده‌اند، بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبران است. فرد سازی، ملت‌سازی، دولت‌سازی و امت‌سازی با بهره‌گیری از قدرت نرم اسلام و عمل به آن بوده است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: تقوای خدا به این است که فریب دشمن را نخوریم و تسلیم دشمن نشویم. دشمن نمی‌تواند ببیند که جمهوری اسلامی توانسته است این کشور را امن و آرام نگه دارد (نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶). یکی از کارهایی که لازمه تقوای ماست، فرونشاندن آتش است. این شعله‌ور شدن آتش - مراد، همین آتش‌های اختلافاتی است که بین مجموعه‌ها هست، بین گروه‌ها هست، بین دستگاه‌ها هست - در حکم آتش سوزان است. سعی همه باید این باشد که اطفاء کنند (بیانات در دیدار مسئولان نظام ج.ا.ا. ۱۳۹۰/۰۵/۱۶). در واقع عمل به دستورهای اسلام و الگوگیری از قرآن، رمز موفقیت در برابر دشمنان است. (امیری، ۱۳۹۴).

اعتقاد به مهدویت

تفکر مهدوی یکی از ارکان و مؤلفه‌های اصلی تشکیل حکومت اسلامی ایران بوده است به طوری که انقلاب به‌عنوان زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر (عج) و هم‌چنین صاحب انقلاب و کشور و نظام را حضرت ولی عصر (عج) دانسته و در اعتقادات ملت ایران جای گرفته است. تا جایی که نظریه‌پردازان غربی نیز راه انحطاط و سقوط جمهوری اسلامی را از بین بردن تفکر مهدوی می‌دانند (فضلی نژاد، ۱۳۸۸: ۵۶).

در فتنه ۱۳۸۸، مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه ۲۹ خرداد فرمودند: یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولایمان و صاحبمان، حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام می‌دهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؛ همه اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد.

سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود با توجه خود، پشتیبانی بفرما.

روحیه ایثار و شهادت‌طلبی

ارتقای انگیزه و روحیه ایثارگری، شهادت‌طلبی و در کل روحیه جهادی است که اوج آن در شبهای عملیات هشت سال دفاع مقدس در چارچوب شبهای وداع تجلی می‌یافت. در حال حاضر این روحیه را می‌توان در دفاع از مظلومان و ستمدیدگان مسلمان افغان، عراقی و لبنانی و سوریه و بویژه فلسطین متجلی ساخت. باید به‌گونه‌ای در این زمینه برنامه‌ریزی کرد که جوانان و نوجوانان ایرانی، شهادت‌طلبی را برای خودشان آمال و آرزو بدانند و در رسیدن به آن به دنبال فرصت باشند. این روحیه بزرگترین مانع در مقابل وسوسه‌های متنوع، جذاب و اغواکننده، ترندها، محصولات و تولیدات نظام سلطه در جنگ نرم خواهد بود. یکی از قلم‌های مهم، همین است که این مفاهیم با ارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند (مقام معظم رهبری، ۱۳/۰۷/۹۴). ملت ایران می‌خواهد ملتی مستقل، پویا، حرکت‌کننده به جلو، عامل به احکام اسلامی و قدرتمند برای دفاع از حقوق و عقاید خود باشد. آیا این خواسته به‌حق جرم است؟» (دیدار رهبری معظم با مردم مازندران، ۱۳۸۸).

حمایت از مستضعفان

خیلی از حکومتها تلاش کردند، پول خرج کردند که مسئله فلسطین فراموش شود. اگر تلاش جمهوری اسلامی نبود، اگر ایستادگی جمهوری اسلامی با تمام قوا در مقابله این سیاست خبثت‌آلود نبود، مسئله فلسطین فراموش می‌شد. الآن دستگاه استکبار و صهیونیست‌های خبیث معترفند و ناراحتند از اینکه جمهوری اسلامی

پرچم فلسطین را برافراشته است. روز قدس، روز زنده کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه شهرستانها روز قدس را گرامی خواهند داشت (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰). امام بزرگوار در طول سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد؛ دفاع کرد؛ از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند با اینکه ما گرفتار دشمنی امریکا بودیم، امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت و از ملت افغانستان حمایت کرد؛ از ملت لبنان حمایت کرد؛ فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم به همان اندازه با رفتار ظالمانه پلیس فدرال امریکا در داخل کشورشان مخالفیم - اینها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم و با سختگیری‌هایی که علیه مردم بحرین به‌وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله هواپیماهای بدون سرنشین امریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این منطقی است، منطقی امام است. هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرفدار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضعگیری‌ای است که امام به‌صراحت انجام می‌داد و این یکی از خطوط اصلی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴).

امر به معروف و نهی از منکر

اولین امر به معروف هم خود ذات مقدس پروردگار است که می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَآيَاتِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ**: خدا امر به معروف و ناهی از منکر است؛ معروفها هم مشخص شده است، منکرها هم معلوم شده است. وجود مقدس پیامبر معظم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است. آیه قرآن می‌فرماید **«يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَهُ عَنِ الْمُنْكَرِ»**. **«أَمَّهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»** بزرگترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند. در زیارت می‌خوانید: **أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ**

أَمَرَتِ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتِ عَنِ الْمُنْكَرِ: مؤمنین و مؤمنات در هر نقطه‌ای از جهان اسلام آمران به معروفند که فرمود: وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يَأْتُونَ الزَّكَاةَ. اینها چهار پایه اصلی برای نظام‌سازی است که از هر کدام از اینها، شاخه‌هایی منشعب می‌شود. نظام اسلامی متکی است به اقامه صلاه، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی انسجام و ارتباط اجتماعی و قلبی میان آحاد مردم در نظام اسلامی (مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۰۱/۰۱). معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم. هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف است. حفظ عزت و آبروی ملت ایران، بزرگترین معروف است (مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۰۱/۰۱)

حضور در صحنه مردم

پیامبر خدا(ص) نیز فرمود: یدالله علی الجماعه: دست خدا بر سر جماعت است و شیطان با کسی همراه است که به جماعت ناسازگاری کند. امروز نشانه‌های وحدت عمومی و همدلی مردم قابل مشاهده است که مناظر بی‌نظیر آن، حضور مردم در نمازهای جمعه ماه مبارک رمضان، حضور گسترده در راهپیمایی روز قدس و حضور با عظمت در نماز عید فطر در سراسر کشور است. همه باید در مقابل این وحدت سر تعظیم فرود آورند و در جهت تحکیم آن تلاش کنند (دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸). روز نه دی در تاریخ ماندگار است؛ به همین خاطر مردم بیدارند؛ همین است که جرئت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند... دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که می‌جوشد. یک وقتی هم صبر هم می‌کنند؛ اما یک وقت هم آنجایی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه (مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۱۰/۱۹). نسل سوم انقلاب را نتوانستند از انقلاب رویگردان کنند. نهم دی را همین جوانها، همین نسل سوم انقلاب به راه انداختند؛ آن حادثه عظیم را به وجود آوردند؛ آن

سیلی محکم را به صورت کسانی نواختند که سعی‌شان این بود که مسیر حرکت اسلامی را با ایجاد فتنه منحرف بکنند؛ این کار را جوانها کردند؛ نسل سوّم انقلاب کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷).

گسترش تفکر بسیجی

از مهمترین خرده‌فرهنگهایی که در نتیجه انقلاب اسلامی توسط بنیانگذار انقلاب اسلامی در راستای ترویج فرهنگ دینی در مقابله با فرهنگ غربی ایجاد شد، تفکر و نهاد بسیج بود که به‌عنوان سمبل و نماد مقاومت و مبارزه علیه ظلم و استکبار و تفکر امریکایی تبدیل شد که در این زمینه حضرت امام خمینی(ره) فرمودند: بسیج، میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی یافته‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵۲: ۲۱). تفکر بسیجی است که می‌تواند بحرانها، مشکلات و معضلات را برطرف کند. تفکر بسیجی، پیش از اینکه یک سازمان نظامی یا تشکل سیاسی باشد، یک تفکر جهانی است که در اندیشه اسلامی ریشه دارد و بازوی فکری اسلام و انقلاب است. شکل‌گیری ارتش مردمی و نیروی ملیونی متشکل از قشرها و گروه‌های مختلف مردم، گونه‌ای خاص از تعلق مردمی فراگیر و عمومی به امنیت و انسجام ملی کشور را در بدنه جامعه جاری می‌کند. این مهم با تنوع قشری و گستره وسیع حضور بسیج در متن جامعه معنا پیدا می‌کند و تا حد زیادی دولت و ملت را بویژه در مشارکت و همراهی در حفظ و تداوم و مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی و مشارکت در امنیت ملی به‌عنوان تعلق خاطر عمومی مردم جامعه در یک جبهه قرار می‌دهد؛ به‌عبارت دیگر بسیج اندیشه امنیت ملی را از سازمانهای رسمی و خاص حاکم به بدنه جامعه منتقل می‌کند و از پایگاه مردمی به بازآفرینی ضرورت حضور و نقش‌آفرینی در عرصه امنیت ملی به‌عنوان حلقه اتصال حاکمان و مردم می‌پردازد (گودرزی، ۱۳۹۰).

ولایتمداری

کارآمدترین رهبران هنگام تغییر وضعیت، ویژگیهای خود را نشان می‌دهند؛ به بیان دیگر، رهبران واقعی در بافتها و موقعیت‌های مختلف، خود را سازگار، و موفقیت خود را تضمین می‌کنند به طوری که بسته به وضعیت، قدرت نرم و سخت را با درجات مختلف به کار می‌برند؛ بنابراین برآورد درست موقعیت و در نتیجه سیاستگذاری درست را می‌توان ناشی از درک هوشمندانه وضعیت دانست (نیکو، ۱۳۸۹). ولایت فقیه، محوریت‌ترین و کلیدیترین رکن انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران است که با هوشیاری، تیزبینی، درایت و جامع‌نگری رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(ره) در این نظام جای گرفته و طی بیش از سه دهه گذشته، کارایی و کارآمدی خود را در اداره حکومت، حل مشکلات کلان حکومتی، شناسایی و خنثی کردن توطئه‌ها، مهار، کنترل و مدیریت بحرانها و صیانت از انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی نشان داده است. درست به همین دلیل، معمار بزرگ انقلاب اسلامی با تکیه و تأکید بر این اصل مترقی، مردم را به حمایت و پشتیبانی از آن فرا خواندند که پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکتتان آسیبی نرسد (رک: بی‌نا، ۱۳۸۱: ۲). اگر ولی نباشد، جامعه از هم می‌پاشد؛ چون محوری برای جذب و تشکل وجود ندارد و اگر متعدد باشد، اصلاً جامعه و تشکلی به وجود نمی‌آید (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۰، ش ۳۶). برای حفظ نظام و پاسداری ولایت فقیه ولایتمداری لازم و ملزوم یکدیگرند. همان طوری که ولایت فقیه مهم است، اطاعت‌پذیری و اجرای اوامر رهبری لازمه تحقق تدابیر معظم‌له است که اگر ولایتمداری و التزام به دستور رهبری ضعیف شود، جامعه دچار انحراف و آسیب خواهد شد.

وحدت و انسجام

دشمنان نظام همواره سعی کرده‌اند با نفوذ در بین مردم و مسئولان و نخبگان با ایجاد اختلاف، شکاف، چند دستگی و تقابل و نهایتاً درگیری بین اقوام و مذاهب

گونگون و مردم، خواص و هم‌چنین تشش بین جریانهای سیاسی، هم در بعد ملی و هم در سطح جهان اسلام به اهدافشان برسند. حضرت امام خمینی(ره) رمز بقای انقلاب اسلامی را، که همان رمز پیروزی می‌دانند، وحدت کلمه و اجتماع ملت برای انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی معرفی می‌کنند. اتحاد در مقابل دشمن جزو یکی از ضروریات دهه چهارم نظام اسلامی است که از طریق کاهش اختلافات داخلی و وحدت در عمل به دست می‌آید. حضرت علی(ع) در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه به کوفیان فرمودند: به خدا سوگند! این واقعیت قلب انسان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند که شامیان در باطل خود وحدت دارند و شما در حق خود متفرقید. آن حضرت در بخش دیگری از سخنان خود دست رحمت خدا را همراه جماعت می‌داند و می‌فرماید: فان یدالله علی الجماعه و ایاکم و الفرقه فان الشاذ من الناس للشیطان کما ان الشاذ من الغنم للذئب (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷).

اتحاد ملی در مقابل دشمن

«آحاد مردم و جریانات مختلف سیاسی، همه با یکدیگر متحد در مقابل آن افراد معدودی باشند که مخالف اصل انقلاب و استقلال کشور هستند و هدف آنها تقدیم کشور به امریکا و استکبار است... به کسانی که به دنبال مصالح کشور هستند، توصیه می‌کنم از این اختلافهای جزئی و غیر اصولی صرف نظر کنند» (دیدار با بسیجیان سراسر کشور، ۱۳۸۸). «دشمن در جنگ نرم تلاش دارد با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطاتی پیشرفته و با شایعه و دروغ‌پراکنی و استفاده از برخی بهانه‌ها، میان آحاد مردم تردید، بدبینی و اختلاف ایجاد کند... در قضایای پس از انتخابات به بهانه انتخابات، ایجاد تردید و اختلاف کردند تا دل‌های مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به مسئولان چرکین شود و در چنین فضای مشوش و شلوغی، عناصر مغرض، خائن و دستاموز خود را برای کارهای اخلاک‌گرانه وارد صحنه کنند اما به دلیل بصیرت مردم به نتیجه نرسیدند» (دیدار با بسیجیان سراسر کشور، ۱۳۸۸).

هماهنگی بین قوا و نهادها

من روی اتحاد تکیه می‌کنم. اتحاد و همدلی بین مسئولین کشور یک فریضه است. تعمد در مخالفت با آن، امروز یک خلاف شرع است؛ بخصوص در سطوح بالا. همه به این توجه داشته باشند. دشمن از اختلافات کوچک، یک مسئله بزرگ می‌خواهد بسازد؛ نباید بگذارید. این جور نیست که هر اختلافی بین دو مسئول یا بین دو دستگاه، فاجعه‌ای باشد؛ نه بالاخره ممکن است مجلس در یک زمینه‌ای جهتگیری خاصی داشته باشد، عقایدشان، سلیقشان مختلف باشد؛ اینها فاجعه نیست. اما این اختلافات را تبدیل کردن به شکافهای غیر قابل پر شدن و زخمهای غیر قابل علاج، خطای بسیار بزرگی است. یکی از کارهایی که دشمن می‌کند، بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به مسئولین است. ما باید مواظب باشیم خودمان جوری حرف نزنیم که مردم به مسئولین کشور، مسئولین دولتی، مسئولین قضائی، مسئولین قوه مقننه بی‌اعتماد بشوند که این بی‌اعتمادی ناحق است؛ دشمن این را می‌خواهد (مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷).

عدالت محوری و قانونگرایی

قانونگرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه می‌بینیم قانونگرایی و قانونمداری اگر چنانچه جا افتاد، خیلی از آسیبها از بین خواهد رفت (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶). در مسئله انتخابات و غیر انتخابات، همه باید تسلیم رأی قانون باشند؛ در مقابل قانون تمکین کنند. حوادثی که در سال ۸۸ پیش همه از همین ناشی شد که کسانی نخواستند به قانون تمکین کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱). این جور نباشد که اگر چنانچه انتخابات بر طبق نظر و میل ما انجام گرفت، این را ما قبول داشته باشیم؛ اگر برخلاف نظر ما بود، «وان یکن لهم الحق یأتوا الیه مدعنین». اگر حق را به ما دادند، آنی که ما می‌خواهیم، سرکار آمد، قانون را قبول داریم؛ اگر آنی که ما می‌خواهیم، سرکار نیامد، می‌زنیم زیر قانون؛ نه قانون را قبول داریم، نه رأی مردم را

قبول داریم؛ این نمی‌شود. فتنه ۸۸ همین‌جور بود. ادعا کردند که قانونگرا هستند، بعد خب مردم به آنها رأی ندادند، اکثریت مردم به کس دیگری رأی دادند؛ اینها بنا کردند دعوا راه انداختن که چرا! کشور را، ملت را مدتی مضطرب کردند، دشمن را خوشحال کردند؛ البته آخرش هم در مقابل مردم دیگر تاب نیاوردند و عقب نشستند. گناه آتش‌افروزان فتنه ۸۸ همین بود که به قانون تمکین نکردند، به رأی مردم تمکین نکردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

در عرصه داخلی یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجایی که می‌توانستند، تشویق کردند - حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که می‌خواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند - زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرئت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام - آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند - جرئت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه به عکس امام اهانت بکنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۹/۲۲). در سال ۸۸، آن مسئله اصلی این است که یک جماعتی در مقابل جریان قانونی کشور به شکل غیر قانونی و به شکل غیر نجیبانه ایستادگی کردند و به کشور لطمه و ضربه وارد کردند؛ این را نباید فراموش کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶).

آگاهی و بصیرت مردم و خواص

تقویت بینش سیاسی و باورهای دینی چون عقبه‌ای مستحکم، جامعه بویژه جوانان را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت می‌کند و آنها را در مقابل موجهای سنگین تبلیغاتی مقاوم می‌سازد. بصیرت به معنای شناخت، آگاهی، نگاه درست و نچیده، یکی از مهمترین مؤلفه‌های جهاد سیاسی به‌شمار می‌رود. بصیرت به معنای تدبیر، نگاه درست، سنجیدن، شناخت با ایمان و آگاهی با اعتقاد است. نیاز مهمی که نورافکن، قبله‌نما و قطب‌نماست. بصیرت دارای شاخصهای مختلفی است. در آیات ۲۹ و ۶۵ سوره انفال بر بصیرت تأکید شده است. امیر المؤمنین

علی(ع) در خطبه‌های ۸۲، ۸۷، ۱۰۳ و ۱۵۳ و هم‌چنین در نامه ۳۱ و کلمات قصار شماره ۲۰۸ نهج‌البلاغه بر بصیرت تأکید فرموده‌اند. امام خامنه‌ای فرمودند: بصیرت قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است به‌گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود، ممکن است ناگهان خود را در محاسبه دشمن ببیند. اگر بصیرت نباشد انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵ در جمع مردم نوشهر). ایشان با تأکید بر نقش نخبگان و خواص جامعه در گسترش بصیرت می‌فرمایند: امروز به گمان من هدف در آماج دشمن خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند، چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵). بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان در دیگران هم به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند. اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی ناگهانی به نفع دشمن می‌زنند» (در جمع اعضای دفتر رهبری و سپاه ولی امر، ۱۳۸۸).

امید و آینده‌نگری

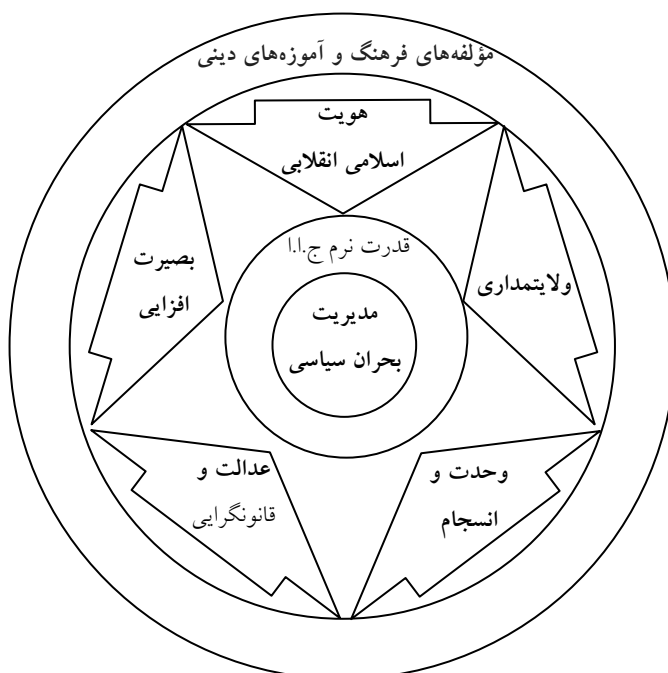
مقام معظم رهبری، امید و اعتماد به نفس را سبب ناامیدی مخالفان می‌دانند و در این باره می‌فرمایند: «مخدوش کردن نشانه‌های امید و تبدیل آنها به نشانه‌های یأس و تردید و القای بن‌بست و سیاه‌نمایی و درنهایت گرفتن پویایی جامعه یکی از خطوط مخالفان است» (دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸). بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است؛ یأس است. امام خامنه‌ای می‌فرمایند: «عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه جنگ نرم، یکی نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوش‌بینانه باشد؛ نگاه امیدوارانه باشد. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه

شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» (دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸).

الگوی مفهومی

در این مقاله نظریات و الگوهای مختلفی از صاحب‌نظران در زمینه فرهنگ، قدرت نرم و بحرانهای سیاسی ناشی از جنگ نرم مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. با توجه به تهدیداتی که از سوی تفکر لیبرال دموکراسی غربی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده که نتیجه مجاهدت حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و شهدای والامقام و مردم مؤمن و انقلابی و همیشه در صحنه است، مناسبترین و کاملترین دیدگاه، که جنبه کاربردی داشته باشد، رویکرد مقام معظم رهبری است که نتیجه آن را می‌توان در بحرانهای مختلف انقلاب بویژه فتنه ۸۸ مشاهده کرد که مبنای فرهنگ اسلامی است که در قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران متبلور است. الگوی طراحی شده با استناد به رویکردهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و نظر کارشناسانی چون امیری، بیگدلو و باقری بوده است. در این الگو پنج مؤلفه از فرهنگ دینی استنتاج و مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفه هویت اسلامی انقلابی که با شاخصهای قرآن محوری، اعتقاد به مهدویت، ایثار و شهادت‌طلبی، نفی سلطه و استکبارستیزی، تعهد به حفظ نظام، حمایت از مظلومان و مستضعفان، مبارزه با تحجر، امر به معروف و نهی از منکر، تفکر بسیج، زنده نگهداشتن ایام‌الله، مؤلفه ولایتمداری با ویژگیهای پیروی از سیره اهل بیت (ع)، پیروی از فرمان ولایت مطلق فقیه، مؤلفه وحدت و انسجام با ویژگیهای همگرایی بین مذاهب، اتحاد ملی در مقابل دشمن، تبعیت پذیری عملی مسئولان از فرمان رهبری و وحدت میان آنها، همگرایی بین قومیتها، اولویت‌بخشی به منافع ملی، هماهنگی بین قوا، نهادها و مؤلفه عدالت با ویژگی قانونگرایی، مؤلفه بصیرت با ویژگیهای بصیرت‌بخشی بین مردم و جوانان نسبت به برنامه‌های دشمن، افزایش بصیرت بین مسئولان و خواص، زمان‌شناسی، افزایش بصیرت نسبت به اهداف نظام، تقویت آینده‌نگری، اطلاع‌رسانی صحیح نسبت به تهدیدهای دشمن،

در مجموع مؤلفه‌ها و شاخصهای فرهنگ دینی توانسته است به‌عنوان قدرت نرم جمهوری اسلامی در داخل و خارج از مرزهای کشور به قدرت فوق‌العاده‌ای در برابر دشمن تبدیل گردد. مؤلفه‌های مدیریت بحرانهای سیاسی شامل هویت اسلامی انقلابی، ولایتمداری، بصیرت، عدالت و قانونمداری و وحدت و انسجام می‌باشد که در قالب الگوی زیر ارائه شده است.



نمودار ۱: الگوی مفهومی

الگوی بالا شامل پنج مؤلفه اساسی است که هر مؤلفه هم متشکل از تعدادی شاخص استخراج گردید که توجه به این مؤلفه‌ها و شاخص‌های آرایه در جدول ص ۲۸ می‌تواند ما را در مدیریت بهینه بحران سیاسی یاری دهد.

جدول ۲: شاخصهای مربوط به عوامل فرهنگ در مدیریت بحران

رتبه میانگین	گویه‌های شاخص فرهنگ اسلامی، انقلابی در ایجاد قدرت نرم و مدیریت بحران
۱۸/۸۷	تقویت روحیه ولایتمداری و فصل الخطاب قرار دادن فرمان رهبر
۱۷/۳۱	التزام عملی مسئولان و مردم نسبت به اجرای دستور رهبری
۱۶/۲۸	عمل به دستور قرآن و سیره اهل بیت(ع)
۱۶/۲۷	تقویت روحیه ایثار و شهادت طلبی
۱۶/۱۶	انگیزه و تعهد به حفظ نظام اسلامی
۱۵/۳۰	افزایش کارآمدی نظام اسلامی
۱۵/۱۷	افزایش مشارکت مردم در عرصه‌های انقلاب مانند راهپیماییها و انتخابات مختلف
۱۴/۷۶	بصیرت‌افزایی جوانان و مردم نسبت به اهداف نظام اسلامی
۱۴/۷۰	ترویج فرهنگ و روحیه بسیجی
۱۴/۶۳	افزایش وحدت و انسجام بین ملت و دولت
۱۴/۵۴	ترویج فرهنگ و آموزه‌های دینی در مراکز آموزشی
۱۴/۰۱	استفاده از مشارکت و ظرفیت مردمی در مدیریت بحران
۱۳/۹۸	دشمن‌شناسی و مقابله با استکبار
۱۳/۹۴	تقویت قانونگرایی و اجرای عدالت در سطح جامعه و مسئولان
۱۳/۷۰	اعتماد به نهادهای قانونی و اجرای مر قانون
۱۳/۵۱	تقویت هویت انقلابی بین مردم و مسئولان
۱۳/۲۷	تقویت اعتماد به نفس و روحیه مقاومت
۱۲/۹۸	ارتقای آگاهی و بصیرت مسئولان و دست‌اندرکاران
۱۲/۸۰	تقویت اخلاص و خدامحوری بین مسئولان و مردم
۱۲/۶۶	پاسخگویی به مطالبات به‌حق و مشکلات مردم
۱۲/۲۸	تقویت اعتماد مردم به مسئولان و رسانه ملی
۱۲/۲۰	ارتقای پایداری و آستان تحمل مردم
۱۲/۱۰	ایجاد وحدت همگرایی بین مذاهب و قومیتها
۱۱/۸۵	همدردی و جلب رضایت مردم
۱۱/۷۸	ترویج امر به معروف و نهی از منکر
۱۱/۵۰	نشاط و امیدآفرینی در جامعه
۱۱/۴۵	حمایت از مستضعفان و جریانه‌های مظلوم منطقه

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی نقش و مؤلفه‌های فرهنگ دینی در مدیریت بحرانهای سیاسی به مطالعه فتنه ۱۳۸۸ پرداخته است. در این مطالعه تلاش شده است ضمن توجه به نظر اندیشمندان و پژوهشگران و با محوریت رویکردهای حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری به تبیین فرهنگ و آموزه‌های دینی بپردازد و در ادامه با استفاده از ابزار فرهنگ به‌منظور مقابله با نظام جمهوری اسلامی در قالب جنگ نرم توسط دشمنان نظام جمهوری اسلامی، بحرانهای سیاسی که درصدد از بین بردن نظام اسلامی است، توجه کرده که عمده‌ترین مصداق این جریان را می‌توان در بحران ۱۳۸۸ ملاحظه کرد که با تدابیر امام خامنه‌ای و استفاده از قدرت نرم مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگ و آموزه‌های دینی، نظام اسلامی را از پرتگاه سقوط نجات داد. مهمترین عنصر قدرت نرم جمهوری اسلامی، عنصر فرهنگی است. بای سعید نیز معتقد است: اضطراب و نگرانی جهان غرب، معلول تجدید حیات اسلامی است. ظهور اسلام سیاسی و انقلابی عاملیت غرب و جهانگرایی را به مبارزه طلبید و الگو و سبک زندگی اسلامی را در برابر زندگی غربی ارائه می‌کند. در این مقاله ۲۷ ویژگی به‌عنوان ویژگیهای فرهنگ و آموزه‌های دینی مورد آزمون قرار گرفت که توانست در مقابل فرهنگ مهاجم غرب مؤثر باشد. یافته‌ها گویای این است که به ترتیب شاخصهای روحیه ولایتمداری، التزام عملی به دستورهای قرآن و رهبری، تقویت روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، انگیزه و تعهد نسبت به حفظ نظام اسلامی، افزایش کارآمدی نظام و مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف، بصیرت و تفکر بسیجی نقش بیشتری در مدیریت بحرانهای سیاسی دارد. در ضمن پیشنهادهای ذیل، که یافته‌های این پژوهش است به منظور بهره‌برداری و مدیریت بحرانهای سیاسی (از نوع فتنه ۸۸) پیشنهاد می‌شود:

۱ - تمام سازمانهای نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی باید

اساسی‌ترین دغدغه و عملکرد خود را در راستای تعمیق و ارتقای فرهنگ دینی قرار دهند و برای آن برنامه‌ریزی جدی و اساسی کنند و این نیروهای انقلابی هستند که در همه لحظات، یاری‌رسان نظام و انقلاب هستند.

۲ - باید فضایی در نهادها و جامعه حاکم شود که تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن و مقابله با آن به صورت اعتقاد و گفت‌وگو حاکم ساری و جاری باشد.

۳ - آموزش نخبگان عرصه‌های فرهنگی، ارتقای آنان و برنامه‌ریزی هدفمند با رویکرد تربیت و پرورش و سازماندهی افسران جنگ نرم در قالب راه‌اندازی دانشکده‌های تخصصی

۴ - شبکه‌سازی فعالان جنگ نرم به صورت مردم‌نهاد در تمام سطوح و اقشار مختلف

۵ - استفاده از ظرفیتهای حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، ادارات و مراکز فرهنگی، سازمانهای مردم‌نهاد، هیئت‌های مذهبی و مؤسسات و افراد ذی‌نفوذ و تأثیرگذار و همسو کردن آنها در مدیریت جنگ نرم و تقویت قدرت نرم نظام

۶ - به‌روز رسانی مطالعات علمی و تحقیقاتی و استفاده از ابزارهای آموزشی تخصصی در حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های مرتبت

۷ - اقناع‌سازی بستر جامعه در زمینه تبیین و گسترش مؤلفه‌ها و شاخصهای فرهنگ دینی به‌عنوان اصل ایمن‌ساز نظام و کشور در مقابل حربه دشمنان

منابع

۱. آقا بخشی، علی (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۲. امیری، ابوالفضل (۱۳۹۲). طراحی مدل مقابله با جنگ نرم امریکا علیه ج.ا.ا.
۳. امیری، ابوالفضل (۱۳۸۹). تهدید نرم، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی. انتشارات پگاه.
۴. امیری، ابوالفضل (۱۳۹۴). درآمدی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی. انتشارات سخنور.
۵. اکرمی، مسعود (۱۳۸۷). قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات جنگ نرم. ج دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۶. اخوان، محمدجواد (۱۳۸۹). عبور از فتنه، بازخوانی پرونده یک سال نبرد نرم. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های بسیج دانشجویی.
۷. اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۹). شورش اشرافیت بر جمهوریت: ریشه‌یابی حوادث سال ۱۳۸۸. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. بختیاری ابراهیم. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیپلماسی عمومی با مفاهیم جنگ نرم. فصلنامه عملیات روانی. ش ۳۰.
۹. بی‌نا (۱۳۸۱). گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای مقابله با آنها؛ معاونت سیاسی در نیروی مقاومت بسیج.
۱۰. پهلوان، چنگیز (۱۳۹۰). فرهنگ‌نامه: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن. «۱۳۹۰-۷۰/نشر: پیام امروز».
۱۱. پای لوسین (۱۳۸۰). بحران مشروعیت، از کتاب «بحران‌ها و توالی در توسعه سیاسی». ترجمه غلامرضا خواجه سروی. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران. تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
۱۳. توکل فر، نعمت‌الله (۱۳۷۹). غارت فرهنگی. مجله فرهنگ کوثر. ش ۴۱ و ۴۳.
۱۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۵. جوزف نای (۱۳۹۰). آینده قدرت. ترجمه مراد صحرایی و همکاران. تهران: انتشارات حروفیه با همکاری مؤسسه تحقیق نوین دانشمند.
۱۶. حسینی، سید حسین (۱۳۹۰). ارتباط اقناعی از آموزه‌های علمی. تهران: دانشکده فرهنگی و اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۷. حسینی، سید حسین؛ جدی، سید مجید (۱۳۸۸). مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی (۱). چ ۳. تهران: معاونت آموزش ناجا.
۱۸. خرم شاد، محمدمباقر (۱۳۸۶). اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی. گردآورنده و مترجم، مرکز بازشناسی اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۶۱)؛ صحیفه نور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس. فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۴۰. ش ۴.
۲۱. روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۱). زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی. عطار.
۲۲. سیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۶) رادیو و مدیریت بحران. انتشارات دفتر پژوهش‌های رادیو و انتشارات طرح آینده.

۲۳. شعاعی، محمدعلی (۱۳۷۲). آشنایی با مفاهیم فرهنگ و روابط فرهنگی. نشر مرکز مطالعات تحقیقات فرهنگی.
۲۴. طالقانی، سید حمیدرضا (۱۳۸۴). دین و فرهنگ. مجموعه مقالات. مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). ولایت و زعامت در اسلام، بررسی‌های اسلامی. قم: بوستان کتاب.
۲۶. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۶). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران. تهران: نشر قومس.
۲۷. کوئن، بروس (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی. چ بیستم. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
۲۸. کاشفی، محمدرضا. دین و فرهنگ. به نقل مناسبات دین و فرهنگ.
۲۹. گران پایه، بهروز (۱۳۷۷). فرهنگ و جامعه: چند دیدگاه تحلیلی درباره فرهنگ عمومی. تهران: شریف.
۳۰. منصوری، جواد (۱۳۷۰). فرهنگ استقلال. ج ۳. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۱. معینی، جهانگیر (۱۳۷۴). نظریه و فرهنگ. مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
۳۲. مطهر نیا. مهدی (۱۳۷۸). فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی. تهران: انتشارات دفاع.
۳۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام. پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. نائینی، علی‌محمد (۱۳۸۷). معنا و مقام قدرت نرم در مطالعات امنیتی؛ مجموعه مقالات همایش قدرت نرم و بسیج. ج اول. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

۳۵. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹). جهانی‌شدن فرهنگ و تهدید امنیت ملی، قدرت نرم از نظریه تا عمل. تهران: نشر ساقی.
۳۶. نای، جوزف (۱۳۸۴). قدرت سخت و قدرت نرم در عصر جهانی اطلاعات. ترجمه سید رضا میر طاهری. ماهنامه اطلاعات راهبردی. س سوم. ش ۲۵.
۳۷. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۸). اهمیت فرهنگ. ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران. تهران: نشر امیرکبیر.
۳۸. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). نظریه برخورد تمدن‌ها. ترجمه مجتبی امیری. تهران: مرکز چاپ وزارت امور خارجه.
۳۹. یحیایی، علی فرید (بی‌تا). بحران مشارکت و عوامل مؤثر بر آن. مجله فرهنگ مشارکت. ش ۱۲.
۴۰. مقام معظم رهبری (۱۳۶۰). مؤسسه نشر ولایت.
۴۱. ولایت‌فقیه (۱۳۷۶). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
42. Dictionnuire Encyclopediyue Noms Communs, Hachette, 1991
43. Miller.K. The concept of crisis: Current Status and Mental Helth Implications. Human organization. 22 fall 1963
44. Nye,Joseph S. 2004. New Yorrk: Public Affairs.
45. Berger Peter (Fall 1997), Four Faces Global Cultiional Inteerest, Iss46
46. Gill, B. & y. Hung, 2006,"Sourses And Limits Of Chinese Soft Power",survival, Vol. 48, No 2, Summer.